

تأثیر ایدئولوژی سیاسی مدیر عامل بر کیفیت گزارشگری مالی

آذر خدابنده^۱، فرزین رضایی^۲

۱ دانشجوی دکتری تخصصی حسابداری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
(نویسنده مسئول)

Azar.khodabande@gmail.com

۲ دانشیار، دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

Farzin.rezaei@qiau.ac.ir

چکیده - ایدئولوژی به باورها و نگرش‌های فرد در مورد جنبه‌های مختلف، از ایده‌های سیاسی و اقتصادی گرفته تا مذهب، اشاره دارد.

مجموعه ارزش‌هایی که یک فرد در خود دارد اغلب در ایدئولوژی سیاسی شخصی آن‌ها منعکس می‌شود، که به اصطلاح می‌تواند بر رفتار اقتصادی فرد تأثیر بگذارد. در این راستا مطالعه حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا ایدئولوژی سیاسی مدیرعامل با کیفیت گزارشگری مالی در ارتباط است یا خیر.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که ایدئولوژی سیاسی مدیرعاملان که از ارتباطات سیاسی آن‌ها نشأت می‌گیرد، می‌تواند تأثیر بسزایی بر روی کیفیت گزارش مالی شرکت داشته باشد و مدیرعاملان وابسته به دولت، مجلس و این دست از نهادهای سیاسی، احتمال کمتری برای مشارکت در مدیریت سود، نقض پیش‌بینی سود تحلیل‌گران، گزارش نادرست و ضعف کنترل داخلی دارند، که بیانگر این است که مدیرعاملان وابسته، گزارشگری مالی با کیفیت‌تری را نسبت به مدیرعاملان مستقل ارائه می‌دهند.

کلمات کلیدی: ایدئولوژی سیاسی مدیرعامل؛ کیفیت گزارشگری مالی؛ نقض پیش‌بینی سود؛ اقلام تعهدی اختیاری؛ کنترل‌های داخلی.

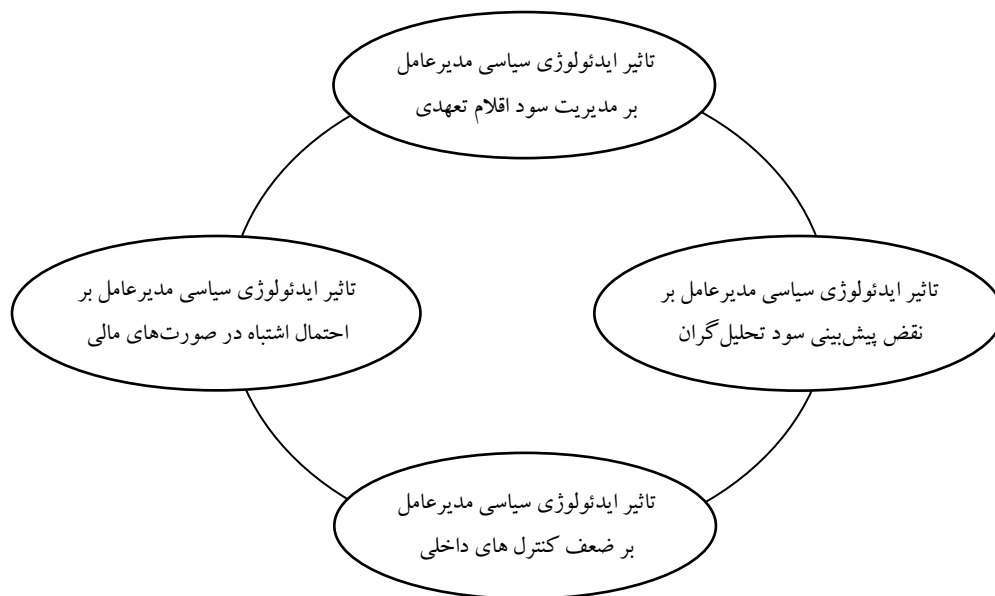
۱. مقدمه

مطالعات اخیر در روانشناسی، علوم سیاسی و امور مالی نشان می‌دهند که ایدئولوژی‌های سیاسی مدیرعاملان بر سطح محافظه‌کاری مالی (هوتون و همکاران، ۲۰۱۴) تصمیمات سرمایه‌گذاری (النهاس و کیم، ۲۰۱۷) اجتناب مالیاتی (فرانسیس و دیگران، ۲۰۱۶)، و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها (اونسال و همکاران ۲۰۱۶) تأثیر می‌گذارند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که مدیرعاملان وابسته تمایل به اتخاذ سیاست‌های اقتصادی

محافظه کارانه و سرمایه‌گذاری ایمن‌تر دارند و از ابهام، عدم اطمینان و پیچیدگی خودداری می‌کنند. در این مقاله، به دنبال بررسی این مساله هستیم که آیا مدیر عاملان وابسته کیفیت بالاتری از گزارش مالی را ارائه می‌کنند یا خیر؟

افراد با ایدئولوژی محافظه کارانه از احتمال ضرر مالی هراسانند (هوتون و همکاران، ۲۰۱۴). با توجه به فرضیه پذیرش ریسک، اولویت‌های سیاسی یک فرد می‌تواند به‌عنوان یک نماینده در قالب اولویت‌های ریسک او عمل کند و از این‌رو مدیر عاملان وابسته نسبت به دیگر مدیر عاملان مستقل ریسک‌گریزتر هستند. کام و سیمس (۲۰۱۰) دریافتند که مدیر عاملان وابسته ریسک کمتری را نسبت به مدیر عاملان مستقل ترجیح می‌دهند، در حالی که هوتون و همکاران (۲۰۱۶) و النهاس و کیم (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که مدیر عاملان وابسته سیاست‌های شرکتی محافظه کارانه‌تری دارند و نسبت به مدیر عاملان مستقل با احتمال کمتری در پروژه‌های پرریسک مشارکت می‌نمایند.

مسئله‌ی اصلی در مطالعه‌ی ایدئولوژی سیاسی در کشورهای در حال توسعه این است که نظام اقتصادی آن‌ها به‌طور غالب مبتنی بر روابط است و مدیر عاملان سیاسی محافظه کار نیز ممکن است در گزارش حسابداری مالی خود محتاط‌تر باشند از این‌رو، کیفیت گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. با این بیان، پژوهش حاضر به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال بنا شده است که، آیا ایدئولوژی‌های شخصی مدیر عاملان، که از جهت‌گیری (روابط) سیاسی آن‌ها نشأت گرفته است، بر گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد یا خیر؟ و سعی شده است که تأثیر ایدئولوژی سیاسی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی بررسی شود. بنابراین مسائلی که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود تأثیر ایدئولوژی سیاسی مدیران بر چهار شاخص کیفیت گزارش مالی (مدیریت سود، احتمال نقض پیش‌بینی سود تحلیل‌گران، احتمال اشتباه در صورت‌های مالی و احتمال ضعف کنترل داخلی) است. این پژوهش در سه قسمت تنظیم شده است. پس از مقدمه، در قسمت دوم مبانی نظری و پاسخگویی به سوالات اصلی پژوهش بررسی می‌شود و در قسمت سوم نتایج بحث و جمع‌بندی می‌گردد.



شکل ۱: مدل مفهومی

۲. مبانی نظری

نظریه اقتصاد سیاسی، از نیمه دوم قرن بیستم با گسترش و نفوذ مکتب لیبرالیسم، وارد متون اقتصادی جهان شد. این نظریه نه تنها مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌مداران واقع شده است، بلکه جامعه‌شناسان نیز آثاری در بسط و توضیح این نظریه ارائه داده‌اند. براساس این نظریه اقتصاد و سیاست تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. به این معنا که فعالیت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی و بالعکس دارند. روابط سیاسی در مقایسه با پایه‌های اقتصادی شرکت، عامل اصلی تعیین‌کننده سودآوری شرکت در کشورهای آسیای شرقی و در حال توسعه است و عایدات شرکت‌های دارای روابط سیاسی به‌طور گسترده تحت تأثیر تصمیمات دولتی قرار دارد، که انتظارات آنها را مورد توجه قرار می‌دهد. در شرکت‌های دارای روابط سیاسی دسترسی به منابع سرمایه بستگی زیادی به سود گزارش شده ندارد، زیرا روابط سیاسی منجر به دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانک‌های تحت تملک دولت می‌گردد. نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت‌ها عبارت‌اند از وجود اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه دولتی. این متغیر با بررسی دقیق

یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش هیئت‌مدیره به مجمع عمومی از طریق شناسایی سهامداران عمده، اشخاص، مدیرعامل، اعضای هیئت‌مدیره وابسته و اشخاص در تعامل با شرکت‌های نمونه صورت می‌پذیرد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶).

تحقیق در روانشناسی و علوم سیاسی، شواهد محکمی ارائه می‌دهند که افراد محافظه‌کار تمایل دارند از ارزش‌های اصلی مدیر عاملان وابسته حمایت کنند. علاوه بر این، یک فرد محافظه‌کار یک اولویت ذهنی محافظه‌کار دارد (کارنی و همکاران، ۲۰۰۸). افراد محافظه‌کار تمایل به ترجیح وضعیت موجود دارند، در حالی که افراد مستقل تمایل بیشتری به جستجوی تغییرات و تجربیات جدید دارند (جست و همکاران، ۲۰۰۳). شواهد روانشناسی نشان می‌دهد که افراد با ایدئولوژی محافظه‌کارانه امنیت شغلی را بر تنوع کاری ترجیح می‌دهند. علاوه بر این، افراد محافظه‌کار نسبت به اتخاذ دیدگاه‌ها یا تجربیات غیرمتعارف، رفتارهای هیجانی و ایجاد تغییرات عمده در زندگی شخصی خود، آزادی کمتری دارند. با توجه به نظریه سازگاری رفتاری، افراد شخصیت‌های رفتاری خود را در زمینه‌ها و شرایط مختلف حفظ می‌کنند. بنابراین، محافظه‌کاری سیاسی ممکن است دلالت بر تمایل روان‌شناختی محافظه‌کارانه داشته باشد که منجر به تصمیمات اقتصادی قابل پیش‌بینی خاصی می‌شود (هوتن و همکاران، ۲۰۱۴).

تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که مدیر عاملان وابسته، محافظه‌کاری سیاسی خود را در نگرش‌های محافظه‌کارانه در سیاست‌های شرکت اعمال می‌کنند (النهاس و کیم، ۲۰۱۷). علاوه بر این، با تبدیل افراد به مدیر عاملان، رفتارهای سیاسی آن‌ها تقویت می‌شود (فرمات و همکاران، ۲۰۱۳). فرضیه پذیرش ریسک نشان می‌دهد که مدیر عاملان وابسته در تصمیمات مالی خود به دلیل ویژگی‌های شخصیتی محافظه‌کارانه‌شان، محافظه‌کارانه‌تر هستند (فرانسیس و دیگران، ۲۰۱۶). هوتون و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که شرکت‌های با مدیر عاملان وابسته معمولاً سیاست‌های محافظه‌کارانه‌تری دارند که از طریق نسبت‌های اهرمی پایین، هزینه‌های سرمایه و هزینه‌های تحقیق و توسعه کم‌تر، ریسک کم‌تر سرمایه‌گذاری‌ها و سودآوری بیشتر نشان داده می‌شود. به این ترتیب، سبک مدیریت می‌تواند به‌طور منطقی توسط محافظه‌کاری مالی پیش‌بینی شود (هاتون و همکاران، ۲۰۱۴). ارتباطات سیاسی افرادی که به دولت وابسته‌اند برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی و سیاست‌های مالی محافظه‌کارانه آن‌ها است. مدیر عاملان وابسته تمایل دارند که در تصمیمات گزارشگری مالی ریسک‌گریز و محافظه‌کارانه‌تر باشند و کمتر درگیر رفتار فرصت‌طلبانه شوند. از این رو، مدیر عاملان وابسته که ویژگی‌های محافظه‌کارانه دارند در گزارشگری مالی خود محتاط‌تر می‌باشند و در نتیجه احتمال

بیشتری وجود دارد که گزارش مالی با کیفیت بالاتری ارائه دهند. با استفاده از چهار شاخص زیر، تاثیر ایدئولوژی سیاسی مدیرعامل را بر کیفیت گزارش‌های مالی با کیفیت بالا مورد مطالعه قرار می‌دهیم: کیفیت تعهدی، نقض پیش‌بینی‌های درآمدی تحلیل‌گر، احتمال اشتباه و ضعف کنترل داخلی. بنابراین، رابطه بین ایدئولوژی سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی یک سوال تجربی است که ارزش بررسی دارد که در این پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود. استدلال‌های زیر نشان می‌دهد که مدیر عاملان وابسته انگیزه‌هایی برای ارائه گزارش مالی با کیفیت بالا دارند.

۱.۲. تاثیر ایدئولوژی سیاسی مدیرعامل بر مدیریت سود اقلام تعهدی

استانداردهای حسابداری به مدیران این امکان را می‌دهد تا از اختیار خودشان تا حدی استفاده کنند و فرصت-طلبانه درگیر مدیریت سود تعهدی برای رسیدن به اهداف خود شوند یا از سود کمتر اجتناب کنند. با انجام این کار، مدیران ثروت خود را افزایش می‌دهند زیرا پاداش اغلب به‌طور مستقیم با عوامل مربوط به درآمد مرتبط است. تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که مدیران، ثروت شخصی خود را از طریق درگیر شدن در مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی افزایش می‌دهند. چنین اقداماتی کیفیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد (دجو و دیچوف، ۲۰۰۲). مدیر عاملان وابسته به احتمال زیاد خواستار کیفیت اقلام تعهدی بالاتر هستند؛ از این رو، احتمال درگیر شدن آن‌ها در مدیریت سود کمتر است، زیرا با توجه به کیفیت گزارشگری مالی، ریسک‌گریزتر و محتاط‌تر هستند. بنابراین میزان مدیریت سود در مدیر عاملان وابسته کمتر از مدیر عاملان مستقل است و ارتباط معناداری با مدیر عاملان وابسته در کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تر، نسبت به مدیر عاملان مستقل وجود دارد. روی هم رفته، مدیر عاملان وابسته با احتمال کمتری در مدیریت سود تعهدی مشارکت می‌نمایند، که منجر به کیفیت اقلام تعهدی بالاتر می‌شود.

۲.۲. تاثیر ایدئولوژی سیاسی مدیرعامل بر نقض پیش‌بینی سود تحلیل‌گران

از سود به‌عنوان دومین شاخص کیفیت گزارش مالی استفاده می‌شود. تحقیقات پیشین بیانگر این است که وقتی گزارش شرکت‌ها برخلاف پیش‌بینی سود تحلیل‌گران است، مدیران احتمالاً سود را مدیریت می‌کنند، که پس از آن منجر به نقض پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران می‌شود (دهالیوال و سایرین، ۲۰۰۴؛ مک وی و همکاران، ۲۰۰۶). علاوه بر این، براساس پژوهش‌های پیشین، دجو و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که مقایسه با هدف دیگر

مانند سود اندک و اجتناب از زیان اندک و نقض پیش‌بینی‌های سود تحلیل‌گران شاخص بهتری از کیفیت گزارشگری مالی را فراهم می‌آورد. همان‌طور که در پاراگراف‌های قبلی بحث شد، مدیر عاملان وابسته در تصمیمات مالی خود محافظه‌کارانه‌تر هستند؛ بنابراین، آن‌ها بیشتر به کیفیت گزارشگری مالی بالاتر متعهد هستند و کمتر به مدیریت سود روی می‌آورند. بنابراین، احتمال نقض پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران در مدیر عاملان وابسته کمتر از مدیر عاملان مستقل است و شرکت‌هایی با مدیر عاملان وابسته با احتمال کمتری پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران را برآورده می‌کنند. این نتایج بیشتر از این استدلال حمایت می‌کند که ایدئولوژی سیاسی مدیرعامل، عامل مهمی است که رفتار مدیریت سود را هدایت می‌کند و درمی‌یابیم که شرکت‌های با مدیر عاملان وابسته به احتمال کمتری سود را برای نقض پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران مدیریت می‌کنند، که به احتمال زیاد به دلیل نگرش‌های محافظه‌کارانه‌تر و ریسک‌گریزیشان است.

۳.۲. تاثیر ایدئولوژی سیاسی مدیرعامل بر احتمال اشتباه در صورت‌های مالی

از احتمال اشتباه در صورت‌های مالی به‌عنوان سومین شاخص کیفیت گزارش مالی استفاده می‌شود. یک اشتباه مالی زمانی رخ می‌دهد که یک کاربرد نادرست از اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری (GAAP) وجود داشته باشد، که در آن صورت‌های مالی در زمان صدور درست نبودند (هنس و همکاران، ۲۰۰۸). مطالعات قبلی نشان می‌دهند که تحریفات مالی که منجر به تجدید ارائه می‌شوند با گردش مالی مدیرعامل و مدیرعامل در رده بالاتر مرتبط هستند (دسای و همکاران، ۲۰۰۶). مدیرعاملان وابسته افراد محافظه‌کاری هستند که برای امنیت شغلی ارزش قائلند و نسبت به احتمال ضرر حساس هستند. بنابراین، این رفتارهای محافظه‌کارانه، مدیرعاملان وابسته را، در مورد گزارش مالی محتاط‌تر می‌کند، که منجر به اشتباه کمتر می‌شود. بنابراین از احتمال اشتباه در صورت‌های مالی به‌عنوان سومین شاخص کیفیت گزارش مالی استفاده می‌شود و احتمال اشتباه در مورد مدیرعاملان وابسته کمتر از مدیرعاملان مستقل است. به‌طورکلی، نتایج نشان می‌دهد که مدیرعاملان مستقل احتمال اشتباه صورت‌های مالی را افزایش می‌دهند، در حالی که شواهدی وجود دارد که مدیرعاملان وابسته احتمال اشتباه صورت‌های مالی را کاهش می‌دهند. این نتایج با پیش‌بینی ما سازگار است که ویژگی‌های شخصیتی محافظه‌کارانه، مدیرعاملان وابسته را نسبت به گزارش مالی محتاط‌تر می‌کند، که احتمال اشتباه در صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد.

۴,۲. تاثیر ایدئولوژی سیاسی مدیرعامل بر ضعف کنترل‌های داخلی

از احتمال ضعف کنترل داخلی به‌عنوان شاخص نهایی کیفیت گزارش‌دهی مالی استفاده می‌شود. یک ضعف کنترل داخلی نشان می‌دهد که یک احتمال منطقی وجود دارد که کنترل داخلی یک شرکت مانع از شناسایی یک اشتباه در گزارش مالی نخواهد شد. به‌عبارت دیگر، کنترل‌های داخلی ناکارآمد قابلیت اطمینان گزارش مالی یک شرکت را کاهش می‌دهد، در نتیجه کیفیت گزارش مالی را کاهش می‌دهد (کاستلو و ویتبرگ - مورمن ۲۰۱۱). دوپل و همکاران (۲۰۰۷) دریافتند که کنترل داخلی موثر نشان‌دهنده کیفیت بالاتر گزارشگری مالی است. بخش‌های ۳۰۲ و ۴۰۴ قانون ساربانس - آکسلی ۲۰۰۲ از مدیران اجرایی خواستند تا کفایت کنترل‌های داخلی در گزارش مالی را تایید کنند. از آنجا که افراد محافظه‌کار برای امنیت شغلی ارزش قائلند و با اجازه دادن به وجود نقاط ضعف کنترل داخلی، کار خود را به خطر بیاندازند. علاوه بر این، ایلِفِتسن و مسر (۲۰۰۰) دریافتند که وجود ضعف کنترل داخلی ریسک گزارش مالی مجدد را افزایش می‌دهد. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که احتمال ضعف در کنترل داخلی برای مدیرعاملان وابسته کمتر از مدیرعاملان مستقل است. روی‌هم‌رفته، یک راه برای اطمینان از کیفیت بالاتر گزارش مالی، اجرای معیارهای کنترل داخلی مناسب و موثر است و مدیرعاملان وابسته برای بهبود کنترل‌های داخلی برای جلوگیری از گزارش نادرست مالی انگیزه دارند.

یک رشته از مقالات نشان می‌دهد که ایدئولوژی سیاسی یک مدیرعامل به‌طور قابل‌توجهی بر بسیاری از سیاست‌های شرکتی تاثیر می‌گذارد (هاتن و سایرین ۲۰۱۴). ایدئولوژی سیاسی یک مدیر پیامدهای اقتصادی قابل‌توجهی هم در سطح فردی و هم در سطح سازمانی دارد. چین و سکادنی (۲۰۱۷) ثابت می‌کنند که احتمال اینکه مدیرعاملان مستقل، برای کاهش تفاوت در پرداخت برای سایر مدیران ارشد، آزادتر از مدیران محافظه‌کارشان باشند، بیشتر است. علاوه بر این، فرمات و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که افراد با ورود به سطوح عالی مدیریت، رفتارهای سیاسی خود را به‌طور معناداری تغییر می‌دهند. به‌طور خاص، آن‌ها نشان می‌دهند که زمانی که افراد مدیرعامل یک شرکت می‌شوند، پول بیشتری به شرکت‌های سیاسی اهدا می‌کنند. بریسکو و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که مدیرعاملانی که به‌طور قابل‌توجهی آزادتر (مستقل) هستند، به‌عنوان الگوهایی از طریق ارتباطات سیاسی قابل‌توجه که در معرض دید عموم قرار می‌گیرد، در گروه‌های فعال اجتماعی مورد استقبال قرار می‌گیرند. این نتیجه با این دیدگاه سازگار است که مدیرعاملان مستقل به تغییرات نسبت به حفظ ارزش‌های سنتی نسبتاً پذیرا می‌باشند.

در سطح شرکت، تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که مدیرعاملان وابسته سیاست‌های شرکتی محافظه‌کارانه‌تر را ترجیح می‌دهند. هوتون و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا ایدئولوژی سیاسی مدیرعاملان بر محافظه‌کاری مالی شرکت تاثیر می‌گذارد؟ آن‌ها متوجه می‌شوند که شرکت‌هایی با مدیرعاملان وابسته بدهی شرکتی کمتری دارند، هزینه کمتری صرف سرمایه و تحقیق و توسعه می‌کنند و در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ریسک کمتری دارند، اما از سودآوری بیشتری برخوردارند. چین و همکارانش (۲۰۱۳) دریافتند که یک ایدئولوژی سیاسی روی فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت تاثیر می‌گذارد. محققان نشان می‌دهند که مدیرعاملان وابسته نسبت به مدیرعاملان مستقل کمتر روی مسئولیت اجتماعی تاکید می‌کنند. مدیرعاملان وابسته نیز نسبت به تصمیمات سرمایه‌گذاری محافظه‌کارانه‌تر هستند. النهاس و کیم (۲۰۱۷) رابطه بین ایدئولوژی‌های سیاسی مدیرعاملان و تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت‌هایشان را بررسی کردند و دریافتند احتمال کمتری وجود دارد که مدیرعاملان وابسته از پول نقد به‌عنوان روش اولیه کسب‌وکار استفاده می‌کنند. مدیرعاملان نقش مهمی در سیاست‌های شرکت ایفا می‌کنند و در نتیجه، جهت‌گیری سیاسی آن‌ها بر فعالیت‌های لابی‌گری شرکت تاثیر می‌گذارد. آنسال و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که وقتی شرکت‌ها مدیرعامل وابسته دارند، به احتمال زیاد مقدار زیادی پول صرف لابی‌گری با کمک‌های سیاسی بیشتر شرکت‌ها و استخدام لابی‌های بیشتر می‌کنند.

کریستنسن و همکاران (۲۰۱۵) نشان می‌دهند که وقتی شرکت‌ها مدیرعاملان وابسته دارند، نسبت به شرکت‌های دارای مدیران اجرایی مستقل کمتر درگیر اجتناب مالیاتی می‌شوند. این شواهد نشان می‌دهد که مدیرانی که وابسته به دولت، مجلس و مانند این نهادهای سیاسی، محافظه‌کارترند و بنابراین اولویت خود را برای مالیات‌های پایین‌تر قربانی می‌کنند. با این حال، فرانسیس و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند که مدیرعاملان وابسته بیشتر از مدیرعاملان مستقل درگیر عدم اجتناب مالیاتی هستند. این شواهد حاکی از آن است که ایدئولوژی سیاسی یک مدیرعامل بر تصمیمات پرداخت مالیات تاثیر می‌گذارد.

منصورفر و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران اثر فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی) بر کیفیت گزارش‌گری مالی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری بررسی کردند. نتایج حاکی از آن شد که هزینه‌های سیاسی، اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارش‌گری مالی دارند. رضازاده و محمدی (۱۳۹۸) هم پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان انجام دادند و دریافتند که ارتباطات سیاسی شرکت‌ها با

دولت، تأثیر توانایی مدیریتی در کاهش تقلب در گزارشگری مالی را تضعیف نمی‌کند و مدیران توانمند قادرند قضاوت‌ها و برآوردهای دقیق و اثربخش‌تری را انجام دهند و با استفاده کارا تر از منابع شرکت، عملکرد بهتری را به ارمغان بیاورند و از این طریق تقلب در گزارشگری مالی را کاهش دهند. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی دریافتند که روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با مدیریت سود تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب ایجاد تفاوت‌های چشمگیر در سیاست‌های مالیاتی و کیفیت گزارشگری شرکت‌ها می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

ایدئولوژی به باورها و نگرش‌های فرد در مورد جنبه‌های مختلف جامعه، موسسات و مشتریان، از ایده‌های سیاسی و اقتصادی گرفته تا مذهب، اشاره دارد. تحقیقات در روانشناسی و علوم سیاسی نشان می‌دهد که افراد محافظه‌کار نسبت به زیان حساس هستند و بر امنیت مالی تأکید دارند، امنیت شغلی را به تنوع کاری ترجیح می‌دهند. بنابراین، محافظه‌کاری سیاسی و نگرش‌ها ممکن است به اقدامات قابل‌پیش‌بینی تبدیل شوند.

یک تاریخچه رو به رشد نشان می‌دهد که اولویت‌های سیاسی مدیرعامل بر تصمیمات مختلف شرکت تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش تلاش شد تا با بررسی اثرات اولویت سیاسی مدیرعامل بر کیفیت گزارش‌دهی مالی به این جریان از ادبیات اضافه گردد. در این پژوهش دریافتیم که مدیر عاملان وابسته نسبت به مدیر عاملان مستقل خواستار گزارش‌های مالی با کیفیت بالاتر هستند و به‌طور قابل‌توجهی نقش کم‌رنگ‌تری برای مشارکت در مدیریت سود، نقض پیش‌بینی سود تحلیل‌گران، گزارش نادرست و ضعف کنترل داخلی دارند و مدیر عاملان وابسته در مدیریت سود کمتری درگیر هستند و شانس کمتری برای نقض پیش‌بینی سود تحلیل‌گران، احتمال اشتباه در صورت‌های مالی و ضعف کنترل داخلی دارند. این با مدیر عاملان وابسته سازگار است که کیفیت گزارشگری مالی بالاتری را نسبت به مدیر عاملان مستقل خود ارتقا می‌دهند. این پژوهش به ادبیات رو به رشد در مورد سازگاری رفتاری نیز کمک می‌کند. نظریه سازگاری رفتاری نشان می‌دهد که افراد شخصیت‌های رفتاری پایدار را در کلیه زمینه‌ها و شرایط مختلف نشان می‌دهند.

به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که ایدئولوژی سیاسی مدیرعامل تأثیر قابل‌توجهی بر کیفیت گزارشگری مالی از طریق ویژگی‌های شخصیتی مدیرعامل محافظه‌کار یا مستقل دارد. ایدئولوژی سیاسی، مدیر عاملان

وابسته را به تعهد به کیفیت گزارشگری مالی بالاتر مجبور می‌کند. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی ویژگی‌های شخصیتی مدیر عاملان در جهت تاثیرگذاری بر گزارش مالی شناسایی شود. این ویژگی‌ها کمک خواهند کرد تا تحلیل و درک بهتری از رفتار مدیرعامل داشته باشیم. یافته‌های این پژوهش مطابق با تحقیقات قبلی دیگر هستند (به عنوان مثال، هاتون و سایرین ۲۰۱۴؛ جیانگ و سایرین ۲۰۱۶؛ النهاس و کیم ۲۰۱۷)، که نشان می‌دهد اکثریت مشارکت‌های مالی فرصت طلبانه نیستند؛ بلکه، آن‌ها روابط سیاسی مدیرعامل را منعکس می‌کنند.

منابع

- ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی‌نسب، علی و مهدی حسن‌زاده (۱۳۹۶)، واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی، فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۶۶-۱۵۱.
- رضازاده، جواد، عبدالله محمدی (۱۳۹۸)، توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقلبان، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۶، شماره ۲، صص ۲۳۸-۲۱۷.
- منصورفر، غلامرضا؛ قادری، بهمن و فاطمه دانشیار (۱۳۹۶)، فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۳، شماره ۵۳، صص ۱۳۴-۱۰۵.

- Briscoe, F., M. K. Chin, and D. C. Hambrick, (2014). CEO ideology as an element of the corporate opportunity structure for social activists, *Academy of Management Journal*, 57. 1786-1809.
- Carney, D. R., J. T., Jost, S. D., Gosling, and J. Potter, (2008). The secret lives of liberals and conservatives: Personality profiles, interaction styles, and the things they leave behind, *Political Psychology*, 29. 807-840.
- Chin, M. K., D. C. Hambrick, and L. K. Trevino, (2013). Political ideologies of CEOs: The influence of Executives' values on corporate social responsibility, *Administrative Science Quarterly*, 58. 197-232.
- Chin, M. K., and M. Semadeni, (2017). CEO political ideologies and pay egalitarianism within top management teams, *Strategic Management Journal*, 38.1608-1625.
- Christensen, D. M., D. S. Dhaliwal, S. Boivie, and S. D. Graffin, (2015). Top management conservatism and corporate risk strategies: evidence from managers' personal political orientation and corporate tax avoidance, *Strategic Management Journal*, 36. 1918-1938.

- Costello, A. M., R. Wittenberg-Moerman. The impact of financial reporting quality on debt contracting: evidence from internal control weakness reports, *Journal of Accounting Research*, 49. 97-136.
- Dhaliwal, D., C. Gleason, and L. Mills, (2004). Last-chance earnings management: using the tax expense to meet analysts' forecasts, *Contemporary Accounting Research*, 21. 431-459.
- Dechow, P. M., and I. D. Dichev, (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors, *The Accounting Review*, 77. 35-59.
- Dechow, P. M., W. Ge, C. R. Larson, and R. G. Sloan, (2011). Predicting material accounting misstatements, *Contemporary Accounting Research*, 28(1). 17-82.
- Desai, H., C. E. Hogan, and M. S. Wilkins, (2006). The reputational penalty for aggressive accounting: Earnings restatements and management turnover, *The Accounting Review*, 81. 83- 112.
- Doyle, J., W. Ge, and S. McVay, (2007). Accruals quality and internal control over financial reporting, *The Accounting Review*, 82 (5). 1141-70.
- Eilifsen, A., and W. F. Messier, (2000). The incidence and detection of misstatements: A review and integration of archival research, *Journal of Accounting Literature*, 19.1-43.
- Elnahas, A. M., and D. Kim, (2017). CEO political ideology and mergers and acquisitions decisions, *Journal of Corporate Finance*, 45. 162-175.
- Francis, B. B., I. Hasan, X. Sun., and Q. Wu, (2016). CEO political preference and corporate tax sheltering, *Journal of Corporate Finance*, 38.37-53.
- Fremeth, A., B. K. Richter, and B. Schaufele, (2013). Campaign contributions over CEOs' careers, *American Economic Journal: Applied Economics*, 5.170-188.
- Hutton, I., Jiang, and A. Kumar, (2014). Corporate policies of Republican managers, *Journal of Financial Quantitative Analysis*, 49. 1279-1310.
- Jiang, D., A. Kumar., and K. K. F. Law, (2016). Political contributions and analyst behavior, *Review of Accounting Studies*, 21.37-88.
- Kam, C. D., and E. N. Simas, (2010). Risk orientations and policy frames, *Journal of Politics*, 72. 1- 16.
- McVay, S., V. Nagar, and V. Tang, (2006). Trading incentives to meet analyst forecast, *Review of Accounting Studies*, 11.575-598.
- Unsal, O., M. K. Hassan, and D. Zirek, (2016). Corporate lobbying, CEO political ideology and firm performance, *Journal of Corporate Finance*, 38.126-149.
-